



تینگی و گاوها

 Ingrid Schechter

 Ingrid Schechter

 Marzieh Mohammadian Haghighi

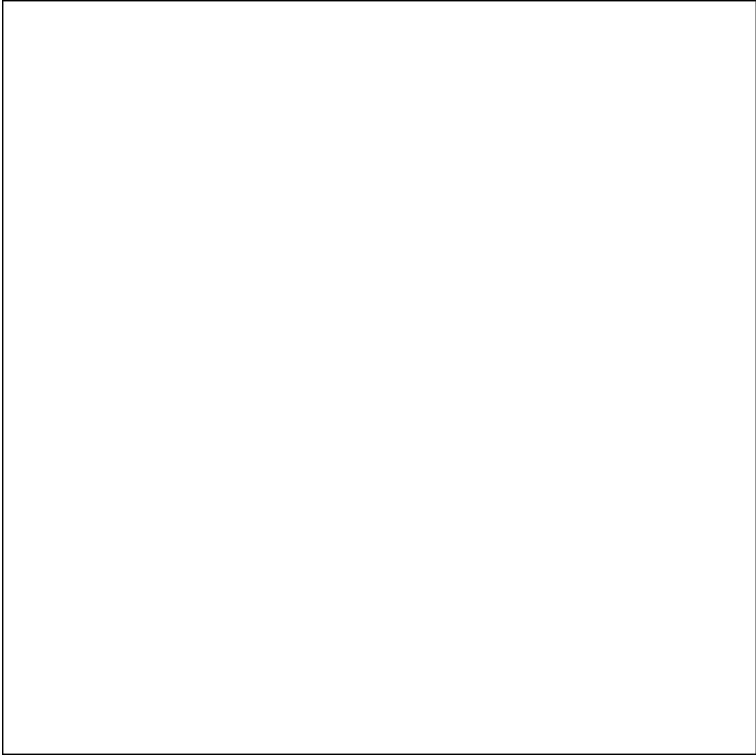
 2

 فارسی fa

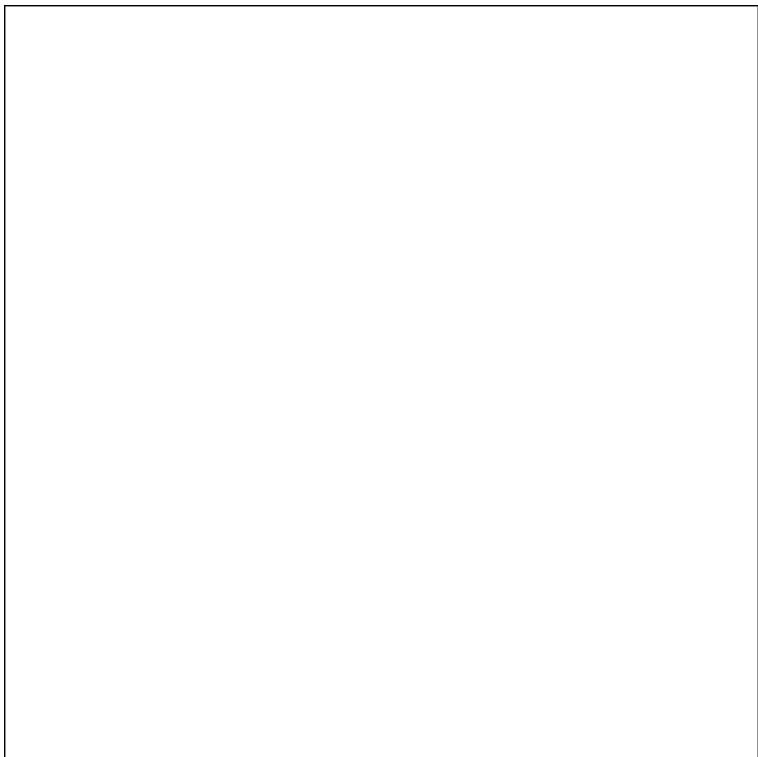
تینگى ۾ ھڊر بزرگش زندگى مى گرد.



او هدّت داشت که به در بزرگ از گوه مراقبت کند.



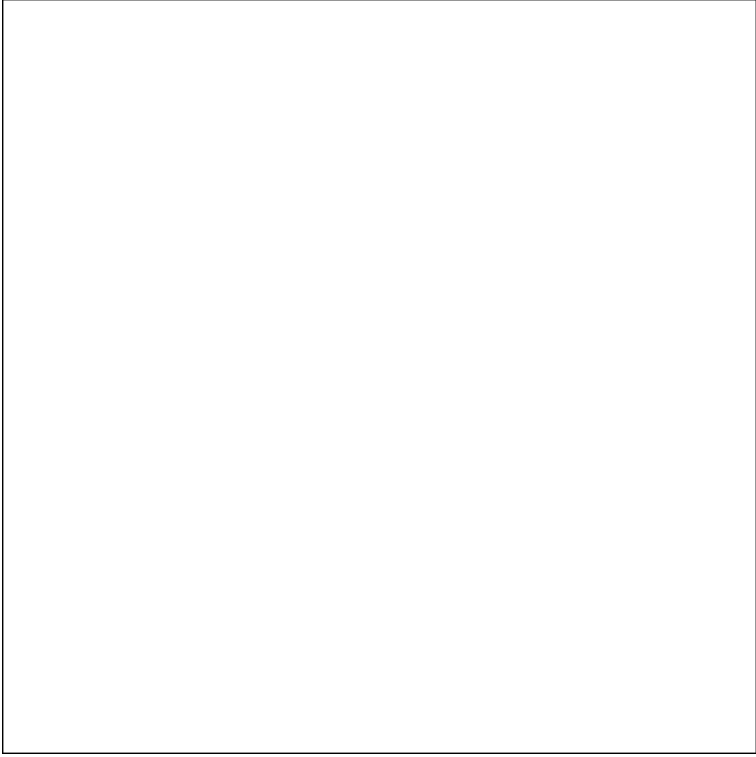
پک روز سَرِبَزِه آمَدَنَد.



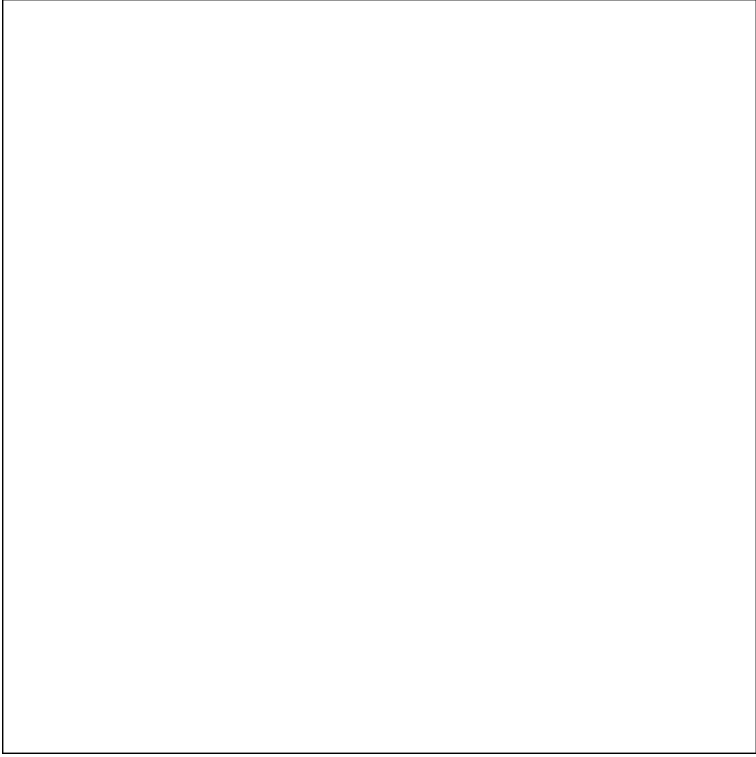
آنها گوه را ب خودشان بُردند.



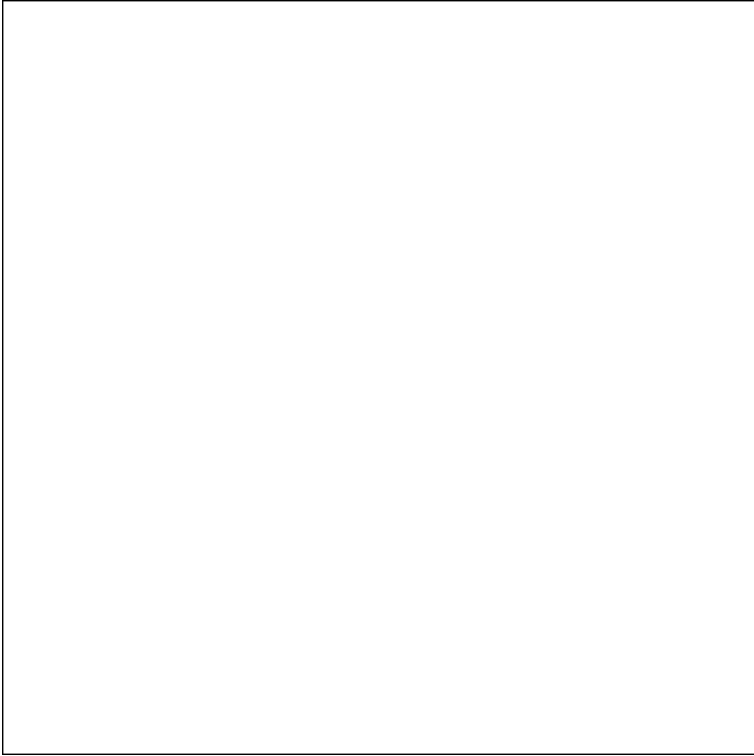
تینگی وهدرُبُرگش فرار گردند و پنهان شدند.



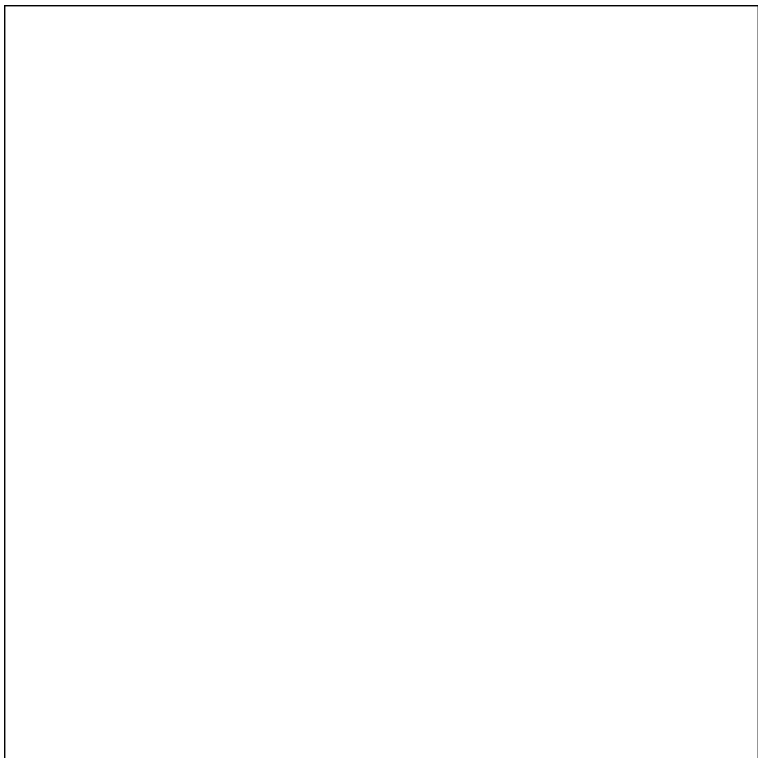
آنچه در یک بوتهٔ شبِ مخفی شدند.



سریزه دوباره برگشتند.



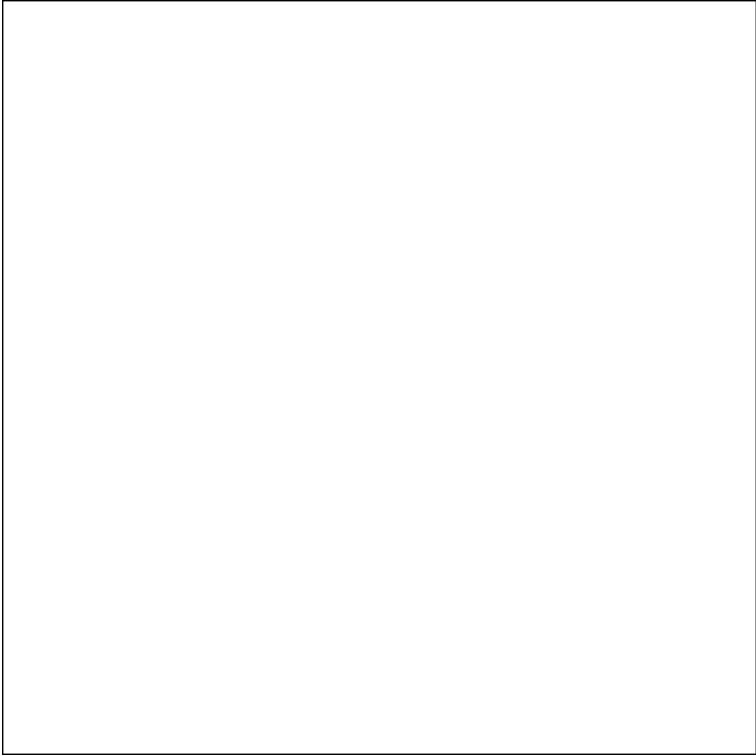
هدر بزرگ تینگی را زیر برگ هقیم گرد.



یکی از سررشته‌های پیش را درست روی تینگی گذاشت ولی او سادگیت
هند.

وَقْتِي كِه هَمَه چيز آرام شُد، تينگی وَهَدَر بَزْرگَش بيرون آمَدَنَد.

آنہ خیلی آرام به خنہ رفتند.






Global Storybooks

globalstorybooks.net

تینگى وَ گاوها

 Ingrid Schechter

 Ingrid Schechter

 Marzieh Mohammadian Haghighi

